

مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی
جمهوری اسلامی ایران
شماره بیست و هشتم، ۱۳۸۲، صص ۲۶۳ - ۲۴۳

«آیا حاکمیت مشترک» شیوه‌ای مناسب برای تعیین حدود رودخانه‌های مرزی است؟

دکتر سید فضل‌الله موسوی*

مقدمه

چندی پیش مقاله‌ای به عنوان «بررسی تحلیلی انواع روش‌های تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی» به قلم نگارنده به چاپ رسید.^۱ در آن مقاله شش روش تعیین حدود مرزی تعریف گردید و ویژگی‌های هر یک با انگیزه‌های ایجاد آنها، مضار و منافع هر یک به تفصیل، به جز نوع ششم، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در

*. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱. دکتر سید فضل‌الله موسوی، «بررسی تحلیلی انواع روش‌های تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۱، شماره ۵۵، صص ۱۴۸-۱۰۳.

مجموع این روشها به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول آنهایی هستند که به دلیل ماهیت غیرعادلانه‌شان قابل قبول نیستند. در واقع انگیزه‌ای که در پس پیدایش چنین روشهایی وجود دارد بر مبنای عدالت و تأمین منافع طرفین به‌طور مساوی نیست. طبعاً به غیر از وجود مسائل و مشکلات فنی و عملی، بر اثر تضییع حقوق یک طرف، همیشه زمینه ایجاد منازعات و تنش‌های ممتد بین طرفین فراهم است. نظیر روش «یکی از سواحل رودخانه به عنوان مرز» و نیز روش «به‌کارگیری معیارهای مختلف برای قسمت‌های مختلف رودخانه». دسته دوم آنهایی هستند که در عمل به کار برده می‌شوند و انگیزه ایجاد آن‌ها عدالت و تأمین منافع طرفین است، اما وجود مشکلات فنی و عملی که ناشی از اصرار بر ترسیم یک خط به عنوان مرز در رودخانه است، خود مشکلات و احیاناً اختلافاتی را بوجود می‌آورد. نمونه بارز این روش‌ها، شیوه «خط منصف» برای رودخانه‌های غیرقابل کشتیرانی و «تالوگ» برای رودخانه‌های قابل کشتیرانی است. به

هر حال هم در دسته اول و هم در دسته دوم آنچه بیشتر ملاک قرار گرفته تکیه بر رسم يك خط دقیق در آب است، که به نظر می‌رسد برای مرزهای رودخانه‌ای به لحاظ این‌که معمولاً مسیر آن در حال تغییر است، مناسب نباشد. دسته سوم - که در مقاله مذکور مورد بررسی تفصیلی قرار نگرفت و به تعریف و مثالی از آن بسنده شد - شیوه‌ای جداگانه است که بدون ترسیم يك خط دقیق در آب، کل رودخانه مرزی را تحت حاکمیت مشترك طرفین قلمداد می‌کند. به جهت ویژگی‌های این روش و متفاوت بودن آن، مصلحت دیده شد که در مقاله‌ای جداگانه به تجزیه و تحلیل آن پرداخته و به عنوان روشی مطلوب و مناسب برای رودخانه‌های مرزی پیشنهاد شود.

الف - تعریف و مثالها

یکی از روش‌های تعیین مرزهای رودخانه‌ای عبارت از ترسیم مرز در دو ساحل رودخانه است. به موجب این روش مرز

«آیا حاکمیت مشترك» شیوه‌ای ... ❖ ۲۴۵

هر کشور در ساحل رودخانه طرف خودش قرار دارد و رودخانه بدون آنکه با استفاده از روشهای خاص تقسیم شود،^۲ به صورت مشترک باقی می‌ماند.^۳ در این روش برخی مواقع حق ایجاد و نگهداری تأسیسات لازم برای عبور به طرف ساحل مقابل [و مسائل دیگر] مشترکاً به دو طرف اعطا می‌گردد.^۴

براساس گفته «اتون – ون – فوری سینگن»^{*} سواحل رودخانه رایین در قرون وسطی بین «گالیا» و «ژرمینا» را مرز تشکیل می‌داده است.^۵ ماده ۲۷ معاهده

۲. این روشها شامل «یک ساحل رودخانه به عنوان مرز»، «خط منصف»، «تالوگ»، «معیارهای مختلف برای قسمتهای مختلف رودخانه» و «پاره‌خط‌های مستقیم» است که در مقاله «بررسی تحلیلی انواع روشهای تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به پاورقی شماره ۱ رجوع شود.

۳. همچنین یک رودخانه ممکن است به عنوان محلی بی‌طرف که به هیچیک از دو کشور متعلق نیست تلقی شود. رجوع شود به:

J.C. Garlomango, *El Derecho Fluvial International*, (Buenos Aires, de Martion, 1913), pp.4-8, Quoted by G. Glos, *International Rivers, A Policy – oriented perspective*, (Singapore, G. H. Kiat & Co. Ltd., 1961), p. 231; A.O. Cukwurah, *The Settlement of Disputes in International Law*, (Manchester, Manchester U.P. 1967), p. 46.

۴. معاهده تعیین حدود مرزی بین پروس و هلند، ۲۶ ژوئن ۱۸۱۶، 3 B.F.S.P., p. 720.

*. Otton – Von – Foreisingen.

5. E.NYS, "Rivières et Fleuves Frontières", la Ligne Médiane et le Thalweg un aperçu historique, 2 (1901) *Revue de Droit International et de législation Comparée*, p. 77, quoted by

ژوئن ۱۸۱۶ بین پروس و هلند مقرر
می‌داشت:

«در تمام مواردي كه نهرها و
رودخانه‌ها مرز را تشكيل می‌دهند، آبها
بین دو کشور مربوط مشترك است، مگر
اینکه به‌طور صریح ترتیب دیگری مقرر
شده باشد...»^۶.

همچنین در همان ماده مقرر می‌داشت:
«هیچ‌گونه تغییر، اعطای امتیاز، زهکشی
و آب برداری، بدون توافق و رضایت هر
دو کشور مجاز نیست»^۷.

گفته می‌شود که حاکمیت مشترك در
رودخانه‌ها روشی قدیمی است و از زمانی
نشأت می‌گیرد که رودخانه به عنوان مرز
طبیعی و به حالت منطقه مرزی انتخاب
گردید. در آن زمان رودخانه‌ها معمولاً به
صورت مناطق بی‌طرف یا تحت حاکمیت مشترك

L.J. Bouchez, "The Fixing of Boundaries in International Rivers", 12 (1963) I.C.L.Q., (789 – 817), p. 790.

6. 3 B.F.S.P., p. 720, at p. 729, art. 27.

7. Ibid., p. 729.

کشورهای مربوط به حساب می‌آمده‌اند.^۸ در حال حاضر تنها مورد اعمال این روش، رودخانه «موزل»،* در قسمتی که مرز بین آلمان و لوکزامبورگ را تشکیل می‌دهد، می‌باشد.^۹ آنگونه که «بوچز» بیان می‌دارد موقعیت مرز آبی بین پروس و

هلند به موجب معاهده ۱۸۱۶ هنوز هم به عنوان طرح اصلی، در معاهده ۸ آوریل ۱۹۶۰ بین جمهوری آلمان و هلند وجود دارد.^{۱۰}

به‌رغم ماده ۲۷ معاهده ۱۸۱۶ که بیان می‌دارد: «موقعی که نهرها و رودخانه‌ها تشکیل مرز می‌دهند، آبها بین دو کشور مشترک هستند...»، در طول تاریخ ادعاهای متفاوتی در ارتباط با مرزهای آبی در این منطقه وجود داشته است. برای مثال هیچ موافقتنامه‌ای بین دو کشور ساحلی در

۸. به پاورقی شماره ۳ رجوع شود.

*. Moselle.

9. G. Glos, op. cit., p. 109, U.N. Economic Commission for Europe Committee on Electric Power, Legal Aspect of Hydro Electric Development of Rivers and Lakes of Common Interests, Geneva, 1952, (E/ECE/136. E/ECE/EP/98 Rev. 1, p. 15; ST/LEG/Ser. B. 12, Sales No. 36, vol. 14, p. 716.

10. L.J. Bouchez, op. cit., p. 790; 508 U.N.T.S., p. 14, English text at p.148.

ارتباط با مرز در رودخانه‌های «امز»* و «دولارد»** وجود ندارد.^{۱۱} به نظر می‌رسد به علت عدم تعیین حدود روشن، دو کشور در عمل درخصوص مرزهای آبی خود حاکمیت مشترک را اعمال کرده‌اند. در واقع به جز تعیین حدود مناطق آبی، بیشتر مسائل و مشکلات نتیجه استفاده و بهره‌برداری و همچنین مسائل مربوط به اداره و مدیریت این آبها بوده است. شاید به همین علت بوده که دو کشور مذکور در موافقتنامه مرزی ۸ آوریل ۱۹۶۰ خود بدون اشاره به تعیین حدود مرزی جدید، قواعدی را در ارتباط با اداره و بهره‌برداری از مناطق مرزی آبی تنظیم کردند. در ۱۴ مه ۱۹۶۲ موافقتنامه‌ای تکمیلی بین آنها در ارتباط با بهره‌برداری منابع طبیعی زیر بستر رودخانه «امز» منعقد گردید.^{۱۲} این موافقتنامه منطقه مورد نظر را به طور مساوی برای چنین هدفی تقسیم می‌کند.

*. Emz.

** . Dollard.

11. L.J. Bouchez, *The Regime of Bays in International Law*, (Leyden, A. W. Sythoff, 1964), p. 125.

12. 509 U.N.T.S., p. 140; *Tractatenblad van het koninkrijk der Nederlanden*, 1962, No. 54, quoted by L.J. Bouchez, *The Regime of Bays in International Law*, op. cit., p. 130.

بنابراین، برخی ممکن است این وضعیت را تحت عنوان «مرز بهره‌برداري» توصیف کنند.^{۱۳} همچنین وضعیت کمابیش مشابهی

13. L.J. Bouchez, *Ibid.*, p. 130.

در ارتباط با وضعیت مرزی بین دو کشور آلمان و هلند این مطلب قابل ذکر است که نویسنده مقاله حاضر در تحقیقات قبلی خود در پاسخ به نامه‌ای که به وزارت خارجه هلند ارسال داشته بود (مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۰)، نامه‌ای از سوی کمک مشاور حقوقی آن وزارتخانه دریافت نمود (مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۹۱)، که بیان می‌داشت: «کلیه رودخانه‌های بین کشور پادشاهی هلند و جمهوری آلمان یک خط مرزی دارند و آن خط منصف است و هیچ حاکمیت مشترکی اعمال نمی‌شود» سپس با توجه به معاهده ۲۶ ژوئن ۱۸۱۶ و ۷ اکتبر ۱۸۱۶ به صفحات ۷۱۷، ۷۳۶ و ۷۴۰ سندی که معاهده در آن ذکر شده است و مقررات معاهده (3 B.F.S.P.) (St/LEG/SER, B 12) ارجاع می‌دهد. اما متأسفانه وی در نامه‌اش هیچ ارجاعی به معاهدات و موادی که در آن خط منصف اعمال شده است نمی‌کند. علاوه بر این به نظر می‌رسد که ارجاعات داده شده بوسیله ایشان هیچ‌گونه دلیل و مدرکی که دال بر اعمال خط منصف باشد نشان نمی‌دهند، در واقع صفحه ۷۱۷ منبع مذکور که اینجانب آن را ملاحظه و مطالعه کردم به معاهده‌ای بین لوکزامبورگ و آلمان در ارتباط با مقررات ماهیگیری در مرزهای آبی اشاره دارد. جالب است که حتی ماده (۳) ۱ از آن معاهده غیرمرتبط، به «آبهای تحت حاکمیت مشترک» اشاره دارد. در صفحه ۷۳۶ سند مذکور، ماده ۲۷ معاهده ۶ ژوئن ۱۸۱۶ دیده می‌شود که پیشتر به آن اشاره شد. ماده مذکور به این صورت مقرر می‌دارد که «تمام مرزهای آبی رودخانه‌های بین دو کشور بین آنها مشترک است مگر این‌که مخالف آن صریحاً مقرر شده باشد». در صفحه ۷۴۰، معاهده ۲ ژوئیه ۱۸۲۴ در ارتباط با مرزهای بین هلند و هانور می‌باشد. جالب است که مواد ۱۹ و ۴۰ آن معاهده هم به رودخانه «رودویک» (Radewyk) به این ترتیب اشاره دارد که «رودخانه مرزی و در مالکیت مشترک» [دو کشور] است. علاوه بر مباحث و استدلال‌های

برای مرز آبی بین جمهوری ایرلند و ایرلند شمالی در خصوص «لاف فویل»* و «کارلینگ فورد لاف»** وجود دارد. به رغم ادعاهای متعدد دو دولت و به علت عدم تعیین حدود مرزی بین دو کشور، این منطقه ممکن است تحت عنوان حاکمیت مشترک تلقی شود،^{۱۴} خصوصاً با وجود «قانون ماهیگیری فویل» ایرلند شمالی در ۱۹۵۲^{۱۵} و «قانون ماهیگیری فویل» در جمهوری ایرلند^{۱۶} و در نتیجه ایجاد «کمیسیون ماهیگیری فویل» که یک رکن اداری است و امور مربوط در این خصوص را انجام می‌دهد. اثر مقررات مربوط، بر تخلفاتی

فوق، بسیاری از متخصصان و محققان – در بررسی رودخانه‌های مرزی و بین‌المللی – آبراهها و رودخانه‌های بین این دو کشور را با اشاره به معاهده ۲۶ ژوئن ۱۸۱۶ به عنوان مثالی برای روش «حاکمیت مشترک» ذکر می‌کنند. ملاحظه شود:

L.J. Bouchez, “The Fixing of Boundaries in International Rivers”, op. cit., p. 790; A.O. Cukwurah, op. cit., p. 46; V. Adami, National Frontiers in Relation to International Law, (1919), Trans. by T.T Behrens (London, O.U.P., 1927), p. 33.

*. Lough – Foyle.

** Carling ford Lough.

14. L.J. Bouchez, The Regime of Bays in International Law, op. cit., p. 136.

15. The Public General Acts Northern Irland of 1952, (Belfast, Her Majesty’s Stationery Office 1952), p. 67.

16. The Acts of the Oireachtas, 1952 (Dublin, The Stationery Office, 1952), p. 49, No. 5.

❖ ۲۵۱ «آیا حاکمیت مشترک» شیوه‌ای ...

که در منطقه مزبور ارتکاب می‌یابد این است که چنانچه سکنه متعلق به قلمرو قضایی یکی از این دو کشور، مرتکب تخلف ماهیگیری در قسمتی از ناحیه فویل که تحت قلمرو قضایی کشور دیگر است، گردند ممکن است همان‌جا محاکمه شوند یا به قلمرویی که ساکن آن هستند بازگردانده شوند.^{۱۷}

ب - طرح موضوع و پیدایش روش حاکمیت مشترک
به موجب تاریخچه رودخانه‌های مرزی و همچنین نظر نویسندگان و محققان حقوقی، منشأ این روش به زمانهای خیلی دور باز می‌گردد.^{۱۸} با بررسی منابع مربوط، این طور استنباط می‌شود که در گذشته دولتها واقعاً به فکر سیستم خط منصف در رودخانه‌ها نبوده‌اند. رودخانه‌ها به عنوان مرزهای طبیعی، کشورها را از یکدیگر جدا می‌کردند. این مسأله ممکن

17. See A.G. Donaldson, "Inland Water Rights and Obligations between States: Two Instances of Cooperation in Irland, in I.L.A. Reports of the forty - sixth Conference held at Edinburgh in 1954, London 1955, pp. 337-338, cited by L.J. Bouchez, the Regime of Bays in International Law, op. cit., p. 136.

18. G.Glos, op. cit., p. 109, L.J. Bouchez, "The Fixing of Boundaries in International Rivers", op. cit., p. 791; A.O. Cukwurah, op. cit., pp. 46 - 77.

است منشأ مفهوم مرزهای طبیعی باشد. کشورها معمولاً مالک قلمرو خاکی خود بودند و رودخانه‌های مرزی خود را به عنوان دارای مشترک قلمداد می‌کردند.

دولتها در گذشته رودخانه‌های مرزی را برای اهداف ساده و معمولی نظیر کشتیرانی، آبیاری و ماهیگیری بدون هیچ‌گونه اختلاف عمده‌ای در این خصوص مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌دادند. اما در طول زمان فکر جدا کردن آبها، همان‌گونه که در خصوص قلمرو خاکی انجام شد، مورد توجه و ترغیب قرار گرفت و هم‌اکنون نیز دولتها و محققان حقوقی تلاش می‌کنند تا خطی دقیق را به عنوان مرز در رودخانه‌های مرزی خود حفظ، تعریف، تعیین و ترسیم کنند.^{۱۹}

شاید به همین دلیل باشد که برخی از نویسندگان در تحقیقاتشان در مورد رودخانه‌های مرزی از روش «حاکمیت مشترک»

۱۹. به مقاله و کتابهایی که درباره رودخانه‌های مرزی و بین‌المللی نوشته شده و نیز منابع ذکر شده در این مقاله و مقاله قبلی نگارنده در خصوص «بررسی تحلیلی انواع روشهای تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی» مراجعه شود.

ذكري به میان نیاورده^{۲۰} و نمی‌آورند، یا برخی از آنان، از آن به سرعت عبور کرده و به عنوان يك روش قدیمی که به دلایل عملی، متروک شده است یا غالباً مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، یاد می‌کنند.^{۲۱}

ج - طرح مشکلات و پاسخگویی به آنها

۱- ادعای وجود روشی در گذشته و کاربرد کم

آن در زمان حاضر

مسأله استفاده از روش حاکمیت مشترک در گذشته و نادر بودن آن در زمان حاضر، ممکن است به عنوان یکی از عیوب و مضار آن مطرح گردد. اما جای سؤال همچنان باقی است که آیا صرف این که روشی در گذشته مورد استفاده بوده و اکنون کمتر به کار می‌رود می‌تواند دلیلی بر عدم

20. K. Gleditsch, "Rivers as International Boundaries", 22 (1925) Acta Scandinavica Juris Gentium, (15 - 32); S. B. Jones, Boundary Making, (Washington, Carnegie Endowment for International Peace, Division of International Law, 1945).

21. G. Glos, op. cit., p. 109; L.J. Bouchez, op. cit., p. 791; A.O. Cukwurah, op. cit., pp. 46 - 47.

استفاده از آن در زمان حال باشد؟ به نظر می‌رسد که پاسخ منفی است. اگر روشی متعلق به زمان گذشته باشد، لزوماً به این معنا نیست که نامناسب و نامطلوب به شمار آورده شود. علاوه بر این، وجود نهاد حقوقی «احیاء و تجدید حیات»^{*} بی‌اعتباری موضوع عدم بازگشت به برخی از اصول و مقررات حقوقی مفید قدیمی را مورد تردید و انکار قرار می‌دهد. واژه «احیاء و تجدید حیات» به معنی احیاء و تجدید حیات آگاهانه رویه‌ای است که ریشه در گذشته دارد. نظریه پردازان حقوقی این پدیده را درخصوص سیستم‌های حقوقی بکار می‌گیرند تا تطبیق مجدد قانون مربوط به گذشته را به زمان بعد در جامعه مورد نظر انجام دهند.^{۲۲} بنابراین

*. Resurrection.

22. A. Aoued, The Problematical Nature of Mixed Jurisdictions, L.L.M. thesis, (Glasgow, Department of Jurisprudence, October 1980), p. 3.

(پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دفاع شده در دانشگاه گلاسگو انگلستان). نویسنده این پایان نامه، به عنوان مثال، به تجدید حیات حقوق بی‌زانتین روم در یونان در اواخر قرن هیجده و اوایل قرن نوزده و همچنین در دنیای امروز، که یک تغییر جهت آگاهانه به سوی حقوق اسلامی (شریعت) توسط بسیاری از کشورهای اسلامی است، اشاره دارد. همان، صص ۴ - ۳.

❖ ۲۵۵ «آیا حاکمیت مشترک» شیوه‌ای ...

درحالی که این مطلب در حقوق داخلی ممکن است مورد استفاده قرارگیرد چه دلیل

دارد که در ارتباط با روشی که به نظر می‌رسد در زمان حال مفید و عملی باشد، در مقررات بین‌المللی مورد انکار قرار گیرد؟

۲- عیوب موجود در روش حاکمیت مشترک

همچنین ممکن است استدلال شود که در واقع به دلیل عیوب موجود در چنین روشی بوده است که دولت‌ها از به کارگیری آن اجتناب کرده‌اند و نویسندگان و محققان حقوقی به بحث پیرامون آن تأکید نکرده‌اند. در اینجا باید دید که این عیوب و مضار چه چیزهایی هستند؟ در این ارتباط به غیر از برخی محققان که صرفاً و بدون هیچ‌گونه بحثی به این روش به عنوان روشی قدیمی اشاره نموده‌اند، تنها «آدامی»^{*} به مشکلات این روش اشاره کرده است، اگرچه هیچ‌گونه توضیحی برای چنین مشکلاتی ارائه نداده است، اظهار می‌دارد

*. Adami.

که این روش «علت روشن منازعات بر سر مسأله ماهیگیری، بهره‌برداری از آب، حفظ و نگهداری بستر رودخانه و غیره است».^{۲۳} به نظر می‌رسد که مشکلات مطرح شده توسط او تنها می‌تواند از طریق همکاری بین کشورهای مربوط قابل حل باشد. حتی در صورت ترسیم یک خط به عنوان مرز، همچنان مشکلات مربوط به بهره‌برداری از رودخانه به طور کلی و حفظ و نگهداری بستر رودخانه، به حال خود باقی می‌ماند، چرا که اینها مسائل مجزای از تعیین حدود مرزی هستند. این مشکلات می‌تواند و باید با همکاری بین کشورهای ساحلی رودخانه از طریق انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه حل و فصل گردد. به عبارتی وجود این مشکلات ناشی از روش «حاکمیت مشترک» نیست بلکه به واسطه عدم همکاری و نبود توافق طرفین مربوط در خصوص استفاده و بهره‌برداری از رودخانه مورد نظر است. علاوه بر این، با توسعه حقوق بین‌الملل از طریق مقررات پیشنهادی مؤسسه حقوق

23. V. Adami, op. cit., p. 21.

بین الملل^{۲۴} و پیشنویس کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد و کنوانسیون مربوط ۱۹۷۷، در خصوص بهره برداریهای غیرکشورتیرانی از رودخانه های بین المللی،^{۲۵} اینگونه مشکلات می تواند تا حدودی حل گردد.

در خصوص استدلال متروک بودن روش حاکمیت مشترک، به نظر می رسد که وجود مشکلات، تنها علت متروک شدن آن نبوده است بلکه همانگونه که در بالا مطرح شد، رشد و گسترش فکر جداسازی آنها با ترسیم یک خط فرضی (خط منصف، تالوگ و ...)، آنچنان که در مرزهای خاکی انجام می گیرد، باعث شده است تا دولتها و محققان حقوق بین الملل روش مزبور را کنار گذارند و بر رسم یک خط در مرزهای رودخانه ای تکیه کنند، حال آن که به نظر می رسد آنان فرق بین مرزهای آبی و خاکی را به بوتة فراموشی سپرده و نادیده

۲۴. مقررات هلسینکی (اوت ۱۹۶۶) در خصوص استفاده از آبهای رودخانه های بین المللی.

25. The Helsinki Rules Concerning the Use of the Waters of International Rivers, The 52 nd, Conference of International Law Association, Published by I.L.A. Printed by Combrion News (Aberystwyth) Ltd., 1967.

انگاشته‌اند. آنان به مشکلاتی که به همراه اعمال روشهای مرزی با ترسیم خط وجود دارد - که در تحقیق پیشین^{۲۶} به آنها اشاره شد - عنایت ندارند. در نتیجه چنین فکری (یعنی ترسیم خط جداسازی)، در طول دوره‌های گذشته، تحول و تکامل روشهای تعیین مرز رودخانه‌ای بر مبنای ترسیم خطی دقیق و عادلانه استوار بوده است. مشکلاتی که ممکن است برخی درباره روش «حاکمیت مشترک» به آنها اشاره کنند، می‌تواند در تمام روشهای دیگر نیز ظهور پیدا کند. اگر در مواردی درگیری و مشکل بین برخی از کشورها که روشهای تعیین حدود مرزی مبتنی بر ترسیم خط را به‌کارگرفته‌اند، مشاهده نمی‌شود به این دلیل است که بین آنان درخصوص رودخانه‌شان «همکاری» و «رعایت مقررات» وجود دارد. با اطمینان و یقین می‌توان گفت که حتی اگر بهترین روش تعیین حدود هم اعمال گردد، چنانچه یکی از کشورهای

۲۶. پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در ارتباط با حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از رودخانه‌ها در سال ۱۹۹۷ منجر به کنوانسیون در این زمینه شد: (A/51/869 (11 April, 1997).

ساحلي يا هر دو آنها به مقررات مربوط به تعيين حدود، اداره و بهره‌برداري احترام گذاشته، آنها را رعايت نکنند و حقوق معقول طرف ديگر را در نظر نگیرند، همیشه با مشکلات و منازعات مختلف روبرو خواهند بود.

اگر چنین نظر و استدلالی درست نباشد، پس چرا در زمان حال و گذشته همچنان به رغم اعمال روش‌های مبتنی بر ترسیم خط، نظیر تالوگ، می‌توان منازعاتی را بین کشورهای در ارتباط با مرزهای رودخانه‌ای، یافت؟ منازعاتی که در خصوص اروند رود وجود داشته است، با وجود تعیین حدود آن براساس روش «تالوگ»، به عنوان يك روش معروف و حتي «اصلي كلي براي رودخانه‌های قابل کشتیرانی»^{۲۷} در سطح بین‌المللی، مثال بارزی در این خصوص است. روشن و بدیهی است که وجود روشی مناسب و مطلوب برای تعیین حدود مرز رودخانه‌ای، در جلوگیری از منازعات نقش مهمی دارد، اما احترام به مقررات و اجرای آنها توسط دول مورد نظر و نیز

۲۷. به پاورقی شماره ۱ مراجعه شود.

همكاري بين آنان درباره امور مختلف رودخانه از اهميت بيشتري برخوردار است. بنابراین ضرورتی ندارد که روشی حتماً بر يك خط فرضي

استوار باشد، با توجه به اين مسأله که رودخانه‌ها، مرزهاي آبی هستند و نه خاکی، از اين رو به معيارهاي خاص خود براي تعيين حدود نیاز دارند. علاوه بر اين، مشکلات موجود در روشهاي پذيرفته شده ديگر که مبتني بر ترسيم خط است، به رغم انگيزه‌هاي خوب و عادلانه موجود در پس آنها و تأمین حقوق هر دو کشور ساحلي، ما را به اين سو سوق مي‌دهد که روش «حاکمیت مشترک» را در رودخانه‌هاي مرزي اعمال کنیم یا حداقل به کارگيري آن را مورد تأمل قرار دهيم.

این حقیقت روشن است که رودخانه‌هاي مرزي، به ويژه در زمان حاضر، با کاربردهاي مختلف آن، نیاز به کنترل، نظارت و اداره مناسب دارند. اگر اظهار ميشود که روش «حاکمیت مشترک» در گذشته با مشکلات عملي از حيث عدم پاسخگويي به افزايش کاربردها و بهره‌برداري از

رودخانه، روبرو بوده، این موضوع صرفاً به علت فقدان خط مرزی نبوده است بلکه به نظر می‌رسد به دلیل بهره‌برداری‌های ناعادلانه و استفاده نادرست از رودخانه و عدم مدیریت صحیح بر آن نیز بوده است. رودخانه‌های مرزی قطعاً نیاز به اداره مشترک و همکاری دول ساحلی از طریق وضع مقررات مشترک، کمیسیون همکاری مشترک و تدابیر دیگر دارند. متأسفانه برای اجتناب از وجود این مشکلات، دولتها، نویسندگان و محققان حقوقی تنها تلاش کرده‌اند که قلمرو رودخانه مرزی خود را از طریق ترسیم دقیق یک خط، نظیر آنچه در مرزهای خاکی وجود دارد، جدا نمایند. ممکن است عاقلانه نباشد که به طور قطع اظهار شود هیچ‌گونه مشکلی در اعمال روش «حاکمیت مشترک» وجود ندارد اما باید به این حقیقت نیز واقف باشیم که به دلیل ویژگی‌های خاص رودخانه‌های مرزی، قطعاً تفاوت‌هایی نیز بین مرزهای خاکی و آبی از جهات مختلف وجود دارد. همچنین باید به طور روشن به این سؤال پاسخ دهیم که برای چه مدتی باید درصد تعریف

و ترسیم خط دقیق مرزی برای رودخانه‌ها باشیم، در حالی که ویژگی عمده رودخانه‌ها بی‌ثباتی و تغییر در مسیر یا حجم آب آنها است که در نتیجه تغییر ممتد خط مرزی را به دنبال دارد. به غیر از نارسایی‌ها و مشکلات موجود در روشهای مبتنی بر خط، وجود تعاریف گوناگون از تالوگ که هنوز هم دولتها و حقوق‌دانان بر سر آن به توافقی یکسان نایل نشده‌اند و هرگز ممکن نیست چنین بشود، همگی نشان می‌دهند که ترسیم یک خط در رودخانه به عنوان مرز، راه حل واقعی نیست.

با وجود معایب و مضار مختلفی که در دیگر روشهای مبتنی بر ترسیم خط وجود دارد، برخی، به رغم پذیرش آن روشها، سرانجام ممکن است به این نتیجه‌گیری نایل شوند که مشکلات موجود، ناشی از آن روشها نیست بلکه به دلیل ویژگی رودخانه‌ها از جمله متغیر بودن مسیر و حجم آب آنها و در نتیجه فرضی بودن خط موسوم به خط مرزی است. بحثهای عمده دقیقاً بر این نکته و سؤال متمرکز

می‌شود؛ در حالی که ما از این ویژگی‌ها آگاه هستیم چرا باید تلاش کنیم تا روش‌هایی را اعمال کنیم که قابلیت کامل با مرزهای رودخانه‌ای را ندارند؟

۳- استفاده اشخاص خصوصی از رودخانه

ایراد دیگری که در خصوص اعمال روش «حاکمیت مشترک»، به آن اشاره می‌شود مسأله استفاده اشخاص (خصوصی) از رودخانه است. در این خصوص بیان شده است که چنین حاکمیت مشترکی بر رودخانه‌های مرزی ممکن است منجر به مشکلات حقوقی از حیث استفاده آبها به وسیله اشخاص حقیقی و حقوقی شود. در این راستا برای درک حدود تأثیر این روش،^{۲۸} می‌توان به مورد معروفی اشاره کرد، قضیه‌ای که از آن به عنوان «آسیابان آلمانی» یاد می‌شود.^{۲۹} به موجب این قضیه درخواست یک شهروند آلمانی مبتنی بر قانون آب آلمان، برای ثبت آب‌هایی که او از یکی از شعبه‌های رودخانه بین هلند و آلمان برداشت کرده

28. L.J. Bouchez, *The Fixing of Boundaries in International Rivers*, op. cit., p. 794.

29. A. O. Cukwurah, op. cit., p. 47; L.J. Bouchez, op. cit., p. 790.

بود، توسط کمیته منطقه و نیز دیوان عالی آلمان، رد گردید. دلیل چنین ردی تحت «حاکمیت مشترک» بودن آن رودخانه توسط دولتهای ساحلی به موجب معاهده ۲۶ ژوئن ۱۸۱۶ عنوان شده بود^{۳۰} (که پیشتر به عنوان مصداق و نحوه اعمال روش حاکمیت مشترک به آن اشاره شد).

به نظر می‌رسد که مسأله یاد شده نمی‌تواند آنچنان مهم باشد که به عنوان یکی از ایرادهای چنین روشی مطرح شود. حتی اگر خطی به عنوان مرز در رودخانه وجود داشته باشد هر یک از دول ساحلی معمولاً مقرراتی در ارتباط با استفاده اشخاص خصوصی و اتباع خود دارند. بنابراین با اعمال روش «حاکمیت مشترک»، دول ساحلی می‌توانند مقررات مشترکی در این باره تنظیم و تدوین کنند، اگرچه این مقررات از مقررات داخلی‌شان متفاوت باشد.

^{۳۰}. برای اطلاع از قضیه مذکور رجوع شود به:

(1931 - 32) Ann. Dig. P.I.L.C., No. 23, p. 50.

۴- سوء استفاده‌های احتمالی سیاسی و

اقتصادی

اشکال دیگر، مربوط به سوء استفاده‌های سیاسی و اقتصادی است که احتمال دارد از سوی یکی از دول ساحلی - که از لحاظ سیاسی و اقتصادی قوی‌تر می‌باشد - صورت پذیرد. در این باره باید اظهار داشت که امکان چنین سوء استفاده‌هایی در رابطه با دیگر روشها نیز وجود دارد. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد مسأله عدم احترام به حقوق یک طرف توسط طرف دیگر موضوعی است که حتی اگر ما بهترین روشها را داشته باشیم نیز بروز پیدا می‌کند. در واقع این موضوع و مشکل ممکن است به عنوان یک مانع سیاسی یا اقتصادی مطرح باشد. هنگامی‌که دو کشور تنشهای سیاسی و خصمانه‌ای داشته باشند، حتی با وجود بکارگیری روشهای مبتنی بر ترسیم خط مرزی نیز، در ارتباط با اداره رودخانه، با مشکل مواجه خواهند بود. بنابراین آنان باید ابتدا مشکلات و منازعات سیاسی خود را حل کرده

و یا تصمیم به حل آن بگیرند و در آن راستا يك روش مناسب براي رودخانه‌هاي مرزي خود بیابند. درخصوص بهره‌برداري اقتصادي نیز آنها با همکاري و وضع مقررات و تشکیل کمیته‌هاي مربوط می‌توانند درخصوص موضوع به توافق‌هاي نایل آیند.

۵- عدم تشابه درخصوص سطح توسعه اقتصادي و

نظامهاي قضايي

آخرین ایراد، مربوط به تفاوت در سطح توسعه اقتصادي و عدم تشابه نظامهاي قضايي دولتهاي ساحلي است. در این خصوص نیز می‌توان گفت که اگر دو کشور به‌رغم چنین وضعيتي تلاش نمایند تا مقررات مشترکي که محتمل است متفاوت با نظامهاي داخليشان باشد، تنظیم کنند، می‌توانند مشکلات خود را از این لحاظ برطرف نمایند.^{۳۱} امروزه در سطح جامعه بين‌المللي کشورهاي را مشاهده می‌کنیم که با وجود نظامهاي متفاوت و حتي متعارض سياسي، اقتصادي و قضايي، با

31. Ibid., p. 50.

یکدیگر در زمینه‌های مختلف همکاری داشته و موافقتنامه‌هایی در این خصوص به امضا رسانیده‌اند. همچنین باید توجه داشت که بسیاری از حوادث مدنی و کیفری که در کشتی‌ها رخ می‌دهند، به رغم تفاوت‌های موجود در نظام قضایی کشورهای ذی‌ربط، معمولاً تحت مقررات تعریف شده بین‌المللی قرار دارند.^{۲۲} از سوی دیگر، با قبول مقررات بین‌المللی در این خصوص کشورها می‌پذیرند که مثلاً قانون کشور ساحلی با کشور صاحب پرچم حاکم باشد. البته باید اذعان داشت که مشابهت‌ها بین دولتهای مربوط، در تمام زمینه‌ها به ویژه مشابهت‌های ذکر شده، می‌تواند در راستای عملکرد مناسب روش مذکور بسیار یاری رسان باشد.

در نهایت به این نکته نیز می‌توان اشاره نمود که ما هرچه از لحاظ زمان به جلو برویم مشاهده می‌کنیم که وجود عرفها، کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی رو به گسترش و افزایش است و محور اصلی این منابع حقوق بین‌الملل در راستای

۲۲. به پاورقی‌های شماره‌های ۲۴ و ۲۵ رجوع شود.

کاهش حاکمیت دولتها و افزایش همکاری‌های بین‌المللی است. فرهنگ همکاری‌های بین‌المللی در زمان حاضر نسبت به گذشته گسترش یافته و به یقین در آینده نیز افزایش بیشتری خواهد داشت. بنابراین انتخاب و به کارگیری روش «حاکمیت مشترک» در راستای تحولات بین‌المللی است. ضمناً وجود چنین کمیسیون‌هایی که برای اداره و مدیریت رودخانه‌های مرزی تحت روش «حاکمیت مشترک» عنوان می‌گردد دور از ذهن، غیرمنتظره و بی‌سابقه نیست. در رودخانه‌های مرزی بین کشورها که روش‌های دیگر تحدید حدود مرزی، نظیر «خط منصف» و «تالوگ» استفاده می‌شود، برای اداره و مدیریت مسائل مرتبط با رودخانه از این گونه کمیسیون‌ها استفاده می‌شود.^{۳۳} بنابراین در روش «حاکمیت مشترک» می‌توان ضمن بهره‌مندی از سوابق موجود این کمیسیون‌ها بنا بر نیاز مسائل مرتبط با

۳۳. به مقررات مربوط در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۵۸ حقوق دریا ۱۳.۳۷-۴۳ Official Record, Vols. I-VII, U.N. Doc. A/CONF. 13.37-43 و کنوانسیون حقوق دریا ۱۹۸۲ A/CONF. 62/22/982 مراجعه شود.

روش «حاکمیت مشترک» از موضوعات و مسائل جدید نیز بهره جست. ۳۴

نتیجه‌گیری

بررسی انواع مختلف تعیین حدود مرزی رودخانه‌ای با در نظر گرفتن تاریخچه آن، موارد موجود و بررسی مزایا و مضار هر یک از آنها این امکان را به ما می‌دهد که به نتایجی نایل شویم. گروهی از این روشها به دلیل ماهیت غیرعادلانه و انگیزه‌هایی که در پس اعمال آنها وجود دارد، در مجموع بر مبنای عدالت و تأمین حقوق و منافع طرفین نبوده و در نتیجه منازعات و اختلافات ممتدی را به همراه می‌آورند، نظیر تعیین یکی از دو ساحل رودخانه به عنوان مرز که قاعده‌تاً قابل قبول نمی‌باشد. دسته دیگر به علت ماهیت منطقی و عادلانه‌شان و نیز انگیزه‌های وجودیشان، به جهت رعایت عدالت و تأمین

۳۴. به عنوان مثال می‌توان به کمیسیون مشترک رودخانه «راین»، کمیسیون اروپایی مشترک رودخانه «دانوب»، کمیسیون مشترک آبی بین آمریکا و کانادا، کمیسیون مشترک رودخانه «دورو» بین اسپانیا و پرتغال و کمیسیون مشترک بین ایران و عراق در مورد «اروند رود» و غیره اشاره کرد.

منافع طرفین، اگرچه قابل قبول هستند و در عمل هم اعمال می‌شوند اما به دلیل وجود برخی مشکلات عملی و فنی که معمولاً ناشی از ترسیم و بکارگیری خط فرضی - به عنوان ملاک تحدید حدود - است، نظیر خط منصف و تالوگ، مشکل آفرین می‌باشند.

سومین روش که در نوشته حاضر مورد بررسی قرار گرفت، اساساً نسبت به روشهای دیگر تفاوت دارد. بدین ترتیب که خطوط مرزی، در دو ساحل رودخانه تعیین شده و رودخانه بدون این‌که تقسیم شود تحت «حاکمیت مشترک» کشورهای ساحلی قرار می‌گیرد. اهمیت چنین روشی، تطابق آن با ویژگی مرزهای آبی و گریز از مشکلات فراوان فنی است که از وجود یک خط در رودخانه به عنوان مرز ناشی می‌شود.

رودخانه به عنوان مرز آبی باید معیار مربوط به خود را در تعیین حدود مرزی داشته باشد. به نظر می‌رسد هر نوع تلاشی برای اعمال کلیه معیارهای مرزهای خاکی برای مرزهای آبی منطقی نباشد. اگر در مواردی با اعمال گروه دوم از روشها، مشکل عمده‌ای بین دولتهای مربوط وجود

ندارد، به نظر می‌رسد که علت عمده آن، وجود سطح بالایی از «تفاهم و همکاری» بین آنها و «رعایت مقررات» مشترک و مربوط است و نه صرف اعمال آن روشها. فقدان دشمنی و تنشهای سیاسی بین دولتهای مربوط و همچنین تلاش آنان برای ایجاد هرگونه تسهیلات برای همکاری بیشتر، عمده‌ترین دلیل برای عدم وجود مشکلات یا کاهش آنهاست. در واقع این همکاری بدین معنی است که اگرچه ممکن است مشکلات فنی وجود داشته باشد، اما طرفهای مربوط، یا از آنها چشم می‌پوشند یا اینکه آنها را از راههای مناسب حل و فصل می‌نمایند. بنابراین وجود یک چنین جو همکاری بین آنان به علت وجود یک خط فرضی به عنوان مرز نیست بلکه روابط نزدیک و همکاری بین آنان سبب چنان جوی شده است. لذا در حالی که اینگونه همکاری علت اصلی برای چنین وضعیتی است، این سؤال پیش می‌آید که نقش خط فرضی در رودخانه به عنوان مرز چیست؟ به علت غیرواقعی بودن چنین خطی، کشورهای ساحلی می‌توانند روش «حاکمیت مشترک» را با

همكاري نزديك خود اعمال كنند و اين در
حالي است كه آنان از بسياري از مشكلات
فني، مالي و غيره كه ناشي از وجود چنين
خطي است، رهايي مي‌يابند.

بديهي است كه مشابته‌هاي سياسي،
حقوقی و غيره بين دولتهای مربوط
مي‌تواند در راستاي اعمال بهتر روش
«حاکمیت مشترک» مؤثرتر باشد، اما فقدان
آنها نمي‌تواند مشکل عمده‌اي ايجاد کند.
همكاريهاي بين‌المللي کشورها با وجود
نظامهاي متفاوت سياسي و حقوقی دليل بر
اين مدعاست. البته در صورتي كه
دولتهای مربوط در روابط خود با حسن نيت
رفتار نکنند، تنشهاي سياسي بين آنان به
طور آشکار مي‌تواند مانعي در راه اعمال
اين روش باشد، همانگونه كه اين مسأله
در ساير روشها نيز وجود دارد. در هر
صورت به موجب اصول آزادي و استقلال كه
حق دولتهاست، آنان در انتخاب هر روشي
كه مي‌خواهند و توافق مي‌کنند آزادند،
مسلم اين كه هر روشي آثار و عواقب
مخصوص به خود را - هم مثبت و هم منفي -
نسبت به کشورهای مربوط دارد و اين

«آيا حاکمیت مشترک» شيوه‌اي ... ❖ ۲۷۳

دولتها هستند که به طور طبیعی باید آثار و عواقب مربوط به انتخاب روش مورد نظر خود را پذیرا باشند. به هر حال آنچه در روش «حاکمیت مشترک» اهمیت دارد و باید بر آن تأکید کرد، ایجاد و تشکیل «کمیسیونهای همکاری مشترک» بین دولتهای مربوط است. البته تشکیل چنین کمیسیونهایی اختصاص به این روش ندارد، بلکه همانگونه که ذکر شد در سایر روشها نیز، چنین کمیسیونهایی را داریم که بر مسائل رودخانه نظارت و مدیریت دارند، اما قطعاً نقش این کمیسیونها در اعمال روش «حاکمیت مشترک» به مراتب بیشتر خواهد بود. این کمیسیونهای مشترک میتوانند در برگیرنده مسائل و وظایف مدیریتی، انتظامی، گمرکی، فنی - تخصصی و غیره باشند که به تناسب تشکیل شده و به تصمیمگیری و انجام وظیفه میپردازند. طبعاً اهداف، چارچوب و مسائل مرتبط با این نوع کمیسیونها باید با توافق دولتهای مربوط تعیین و به مرحله اجرا درآید که چگونگی و جزئیات آن میتواند

در نوشته‌ای دیگر مورد بحث و بررسی قرار
گیرد.

«آیا حاکمیت مشترک» شیوه‌ای ... ❖ ۲۷۵